

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم ، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)



صاحب امتیاز: مدرسه معصومیه ع.ا.ع

مدیر مسئول: مجید سلامی

جانشین مدیر مسئول و سردبیر: جمال الدین حیدری فطرت



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ❖ ابوالفضل ابوالقاسمی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ حسین ایزدی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ محمد صادق پورمدنی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ جمال الدین حیدری فطرت (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ احمد فرخی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ سجاد قدک (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ محمد مادرشاهی (استاد سطوح عالی حوزه علمیه)
- ❖ جواد محمدی سیاهبومی (استاد حوزه علمیه)



دبیر اجرایی: جواد محمدی سیاهبومی

ویراستار: علی یآوری

صفحه آرا: محسن مهمان نواز

طراح جلد: حسین جاهدی

نشانی: قم، بلوار محمد امین، مدرسه علمیه معصومیه ع.ا.ع، دفتر پژوهش، تلفن:

۰۲۵۳۲۹۰۰۳۲۶

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)

بررسی اختلاف دیدگاه شیخ انصاری و امام خمینی رحمتهما الله نسبت به حجیت قطع و تأثیر آن در استنباط فقهی

وحید جهانتی^۱

چکیده

در این مقاله تلاش شده است دیدگاه دو تن از چهره‌های شناخته شده، یعنی شیخ مرتضی انصاری و امام خمینی (ره)، درباره حجیت قطع مورد بررسی و مقایسه قرار داده شود. پرسش اصلی مقاله این است که آیا مبنای حجیت قطع نزد این دو اصولی بزرگوار یکسان است یا اختلافاتی در میان است؟ برای این منظور، ابتدا مفهوم قطع و جایگاه آن در اصول فقه شیعه تحلیل شده، سپس دیدگاه تفصیلی هر یک از دو فقیه و آثار فقهی آن بررسی می‌گردد. در ادامه تفاوت‌های معرفت‌شناختی و اصولی میان این دو اصولی تحلیل شده و در پایان، تأثیر این اختلاف بر فرآیند اجتهاد و استنباط احکام شرعی روشن‌تر خواهد شد. واژگان کلیدی: حجیت، قطع، شیخ انصاری، امام خمینی، اصول فقه، استنباط.

^۱ طلبه پایه هشتم مدرسه معصومیه علیه السلام

یکی از مباحث مهم در علم اصول، مسئله حجیت قطع و نقش آن در فرآیند استنباط احکام شرعی است. فقیه در مسیر اجتهاد، همواره به دنبال رسیدن به حجت معتبر شرعی برای صدور حکم و فتوا است و در این میان، قطع جایگاه برجسته‌ای دارد. با این حال، در میان علمای اصولی در مورد مبنای حجیت قطع، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. اهمیت و ضرورت این تحقیق در آن است که دو تن از برجسته‌ترین علما که آثار آن‌ها مورد استفاده عموم طلاب و فضلا قرار می‌گیرد و آن‌ها را مبنای کار خود قرار می‌دهند، درباره حجیت قطع دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند، لذا این سوال ضرورت پیدا می‌کند که مورد بررسی واقع شود که اختلاف شیخ انصاری و امام خمینی (ره) در بحث قطع در روش اجتهاد و استنباط احکام نیز تأثیرگذار است یا نه؛ تحلیل دقیق و تطبیقی این اختلاف، می‌تواند برای پژوهشگران فقه و اصول، به‌ویژه طلاب سطح عالی حوزه، راه‌گشا باشد و در ارتقای درک آن‌ها از مباحث اصولی نقش مهمی ایفا کند.

سؤال اصلی تحقیق این است که، دیدگاه شیخ انصاری و امام خمینی (ره) درباره حجیت قطع چه تفاوت‌های مبنایی و آثار استنباطی دارد. در این ذیل این سوال اصلی سوالات فرعی هم شکل می‌گیرند که عبارتند از

۱. مبنای شیخ انصاری در حجیت قطع چیست و چه پیامدهایی

دارد؟

۲. امام خمینی حجیت قطع را بر چه مبنایی تحلیل می‌کند؟

۳. اختلاف این دو دیدگاه چه تأثیری در فتاوا یا روش اجتهادی دارد؟

تاکنون تحقیقی جامع و تطبیقی که به طور مستقل به مقایسه دیدگاه این دو فقیه بزرگ پردازد، به این شکل و با این عنوان در دسترس نیست.

اهداف تحقیق عبارتند از:

یک: تحلیل دقیق مبنای شیخ انصاری در حجیت قطع

دو: بررسی تحلیل معرفت‌شناسانه امام خمینی از قطع
سه: استخراج آثار فقهی و اصولی این دو رویکرد و مقایسه آن‌ها
این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد. همچنین از روش تطبیقی برای مقایسه این دو دیدگاه استفاده شده است.

ساختار این مقاله شامل چهار بخش اصلی است:

یک: مبانی نظری قطع در اصول فقه

دو: دیدگاه شیخ انصاری درباره حجیت قطع

سه: دیدگاه امام خمینی در این زمینه

چهار: تحلیل تطبیقی دیدگاه‌ها و نتایج استنباطی آن‌ها

بخش اول: مبانی نظری قطع در اصول

۱/۱. تعریف قطع و جایگاه آن در اصول

قطع در لغت به معنای بریدن و قطع کردن و جدا کردن و انکشاف کامل است.^۱ در اصطلاح اصولی، واژه «قطع» مترادف با «علم» و «یقین» به کار می‌رود.^۲ مکلف و مجتهد در مقام تشخیص وظیفه یا قطع و یقین خواهد داشت و یا ظن و گمان و یا شک و تردید. این مفهوم دارای اهمیت اساسی در علم اصول فقه است زیرا حجیت بسیاری از مبانی استنباطی بر آن استوار است. مرحوم شیخ انصاری در کتاب «فرائد الأصول» قطع را با اوصاف و آثارش تعریف کرده است و چنین گفته است:

^۱ القاموس المحيط، فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۹۱.

^۲ الأصول، مشکینی اردبیلی: ص ۴۲۳.

«فبقول: لا إشكال في وجوب متابعة القطع والعمل عليه ما دام موجودا؛ لأنّه بنفسه طريق إلى الواقع، وليس طريقيّته قابلة لجعل الشارع إثباتا أو نفيا»^۱.

با توجه به این عبارت، قطع در نظر شیخ انصاری این گونه تعریف می شود: قطع، ادراک جازم و مطابق با واقع است که به خودی خود کاشف از واقع بوده و عقل مکلف را ملزم به پیروی از آن می سازد؛ به گونه ای که حجیت آن نیازی به جعل یا امضای شارع ندارد، بلکه طریقیّت آن ذاتی و غیرقابل اعتبار یا نفی شرعی است. امام خمینی نیز در «تهذیب الأصول» به مانند شیخ انصاری تعریفی به شکل معمول ارائه نداده است و با نقد تعریف شیخ انصاری اوصاف و آثار دیگری برای قطع بیان کرده است،

«فتلخص: أنّ الطريقية و الكاشفية ليست عين القطع و لا من لوازمه، و أمّا الحجّية فلا تقصر عنهما في خروجها عن حريم الذاتية، غير أنّ الحجّية تفتقر عن الطريقية بأنّها من الأحكام العقلية الثابتة له عند العقلاء، و لأجل ذلك تستغني عن الجعل»^۲.

با توجه به این مطلب، می توان تعریف امام خمینی از قطع را چنین بیان کرد: قطع، حالتی نفسانی است که برای قاطع، کشف تامّ از واقع فراهم می آورد به گونه ای که هیچ احتمال خلافي در نظر او باقی نمی ماند، و از این رو عقل و عقلا بر اساس آن، حکم به تنجّز و حجیت می کنند.

۲/۱. اقسام قطع

^۱ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی: ج ۱، ص ۲۹.

^۲ تهذیب الاصول، امام خمینی (ره): ج ۲، ص ۲۹۳.

شیخ انصاری در کتاب «فرائد الاصول»، قطع را به دو قسم اصلی قطع طریقی و قطع موضوعی تقسیم می‌کند^۱:

قطع طریقی: قطعی است که در موضوع دلیل شرعی اخذ نشده و فقط به عنوان راهی برای کشف واقعیت به کار می‌رود. در این نوع قطع، خود قطع هیچ نقشی در ثبوت حکم ندارد و فقط واقع را برای مکلف روشن می‌کند. مثلاً اگر کسی یقین به حرمت خمر پیدا کند، این یقین فقط راهی برای کشف واقعیت است و در موضوع حکم دخالتی ندارد.

قطع موضوعی: قطعی است که در موضوع دلیل شرعی اخذ شده و خود قطع در ثبوت حکم دخالت دارد. قطع موضوعی خود به دو قسم تقسیم می‌شود و هر یک از این دو قسم نیز به دو نوع «تمام الموضوع» و «جزء الموضوع» تقسیم می‌شوند؛ یعنی گاهی قطع تمام موضوع حکم است و گاهی جزء موضوع.

قطع موضوعی طریقی: قطع به عنوان طریقت و کاشفیت از واقع در موضوع اخذ شده است.

قطع موضوعی وصفی: قطع به عنوان یک صفت نفسانی خاص در موضوع اخذ شده است.

امام خمینی (ره) در مباحث اصولی خود، به ویژه در کتاب «تهذیب الاصول» خود، ارائه‌ای از اقسام قطع داشته‌اند که متفاوت از تقسیم‌بندی‌های رایج است. ایشان بر اساس مباحث فلسفی و اصولی، قطع را به سه قسم اصلی تقسیم می‌کنند که هر کدام یا تمام‌الموضوع هستند یا جزء‌الموضوع، پس مجموعاً شش قسم قطع مطرح می‌شود.

۱. قطع به معنای صفتی (قطع وصفی): قطع وصفی، وصفی از صفات نفس است مانند اراده، حزن، فرح، که همراه با کشف تام

^۱ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی: ج ۱، ص ۳۰.

و یقین‌آور است. این قطع وصفی، قطع به معنای صرف وصف نفسانی نیست، بلکه وصفی است که کشف تام و یقین‌آور دارد و امارات و حجج نمی‌توانند جایگزین آن شوند. قطع وصفی یا تمام‌الموضوع است یا جزء‌الموضوع؛ یعنی گاهی خود قطع تمام موضوع حکم است و گاهی بخشی از موضوع حکم است و بخشی واقعیت خارجی.

۲. قطع به معنای طریقی (قطع طریقی): قطع طریقی، قطع به عنوان راه و کاشف کامل از واقعیت است که احتمال خلاف در آن نیست. این قطع به عنوان راهی برای کشف واقعیت در موضوع دلیل اخذ می‌شود و قطع طریقی است. قطع طریقی نیز یا تمام‌الموضوع است یا جزء‌الموضوع.

۳. قطع به معنای مطلق کاشف: قطع به عنوان یکی از مصادیق کاشف اخذ می‌شود، بدون اینکه الزاماً صفتی یا طریقی خاص باشد. این قسم نیز یا تمام‌الموضوع است یا جزء‌الموضوع.

۳/۱. اهمیت قطع در علم اصول

قطع در علم اصول، به عنوان یقین جزمی و علم قطعی، از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است که بر اساس آن، عقل و شارع حکم به لزوم پیروی می‌دهند. بزرگان اصولی شیعه قطع را حجت قطعی و ذاتی می‌دانند که بدون آن، بسیاری از احکام شرعی قابل اثبات نیستند. این اهمیت باعث شده که بحث قطع و اقسام آن از مباحث اساسی اصول فقه باشد و در کتب و درس‌های بزرگان اصولی به تفصیل بررسی شود.

بخش دوم: دیدگاه شیخ انصاری درباره حجیت قطع

۲/۱. مبنای حجیت قطع در نظر شیخ انصاری

مبنای حجیت قطع در نظر شیخ انصاری به صراحت در کتاب «رسائل» ایشان بیان شده است.^۱ شیخ انصاری حجیت قطع را امری ذاتی و عقلی می‌داند که مخالفت با آن مستحیل و ناممکن است و نمی‌توان آن را رد کرد. ایشان تأکید می‌کند که برای اعتبار قطع طریقی فرقی نمی‌کند که قطع از حیث قاطع و مقطوع به کیست و از حیث اسباب و زمان چگونه باشد، بلکه قطع حجت است و مخالفت با آن عقلاً محال است.

۲/۲. تحلیل قطع طریقی و موضوعی

قطع طریقی در ثبوت حکم دخالت ندارد و صرفاً راه کشف واقع است، اما قطع موضوعی خود موضوع حکم است و حکم بر اساس آن استوار می‌شود. قطع طریقی حجت شرعی نیست بلکه حجت عقلی است و می‌تواند جایگزین آن امارات و اصول عملی قرار گیرد؛ اما قطع موضوعی حجت شرعی است و نمی‌توان آن را با امارات یا ظنون جایگزین کرد. قطع طریقی حد وسط واقع نمی‌شود و حجت هم به آن گفته نمی‌شود، اما قطع موضوعی می‌تواند حد وسط واقع شود و به آن حجت گفته می‌شود. قطع طریقی نسبت به حکم، قطع به موضوع حکم است، اما قطع موضوعی خود قطع موضوع حکم است. به این معنا که قطع طریقی نسبت به حکم، راهی برای شناخت موضوع حکم است، ولی قطع موضوعی خود موضوع حکم است. در قطع طریقی، امارات شرعی و اصول عملی می‌توانند جایگزین قطع شوند، ولی در قطع موضوعی وصفی، قطع به عنوان وصف نفسانی خاص، جایگزین ندارد.

۲/۳. لوازم فقهی دیدگاه شیخ انصاری

^۱ فرائد الاصول، انصاری، مرتضی: ج ۱، ص ۳۱.

۱. عدم جواز تعبد بر خلاف قطع: اگر مکلف قطع به حکمی دارد مثلاً وجوب روزه، هیچ دلیل شرعی نمی‌تواند او را به ترک آن الزام کند.
 ۲. عدم جریان اصول عملیه در فرض قطع: مثلاً اگر کسی قطع به نجاست آبی دارد، برائت یا استصحاب طهارت جاری نیست.
 ۳. عدم نیاز به جعل حجیت از سوی شارع: حجیت قطع، برخلاف ظن یا اصول عملیه، نیازی به امضاء یا جعل شارع ندارد.
 ۴. پذیرش خطاپذیری قطع در عین حجیت آن: شیخ برخلاف اخباریان، حجیت را به معنای مطابقت با واقع نمی‌داند، بلکه وظیفه مکلف را تنها بر اساس آنچه که قطع دارد می‌سنجد.
 ۵. قطع به مخالفت قطعی با تکلیف واقعی، موجب حرمت عمل می‌شود: مثلاً اگر مکلف قطع دارد که عمل خاصی حرام است، حتی اگر اصل شرعی ظاهری (مثل برائت) آن را مجاز شمرده، عمل بر اساس آن جایز نیست.
- در قطع طریقی، چون قطع صرفاً راه کشف موضوع حکم است و خود موضوع حکم نیست، ممکن است مکلف به عمل بر اساس قطع نباشد اگر دلیل قوی‌تر یا امارات شرعی وجود داشته باشد.
 - در قطع موضوعی، قطع خود موضوع حکم است و حکم بر اساس آن استوار است، بنابراین عمل به آن واجب و ترک آن جایز نیست.
 - از آنجا که قطع موضوعی وصفی جایگزین ندارد، هرگونه ظن یا شک جایگزین آن نمی‌شود و قطع موضوعی وصفی حجت شرعی قطعی است.
 - در قطع موضوعی طریقی، ممکن است در شرایط خاص امارات و اصول عملی جایگزین قطع شود ولی قطع همچنان حجت است.

بخش سوم: دیدگاه امام خمینی درباره حجیت قطع

۱/۳. مبنای حجیت قطع در نظر امام خمینی

امام خمینی حجیت قطع را تأیید کرده ولی مبنای آن را متفاوت از شیخ انصاری می‌داند. ایشان قطع را از منظر عقل عملی و معرفت‌شناسی تحلیل می‌کند و می‌گوید: حجیت قطع از امور ذاتی نیست که نتوان آن را جعل یا نفی کرد، بلکه حجیت قطع امری است که عقل و شارع آن را حکم کرده‌اند و مکلف را به تبعیت از قطع موظف می‌سازد.^۱ بنابراین حجیت قطع ناشی از حکم عقل و حکم شارع است و نه از ذات قطع می‌شود.

۲/۳. توجه امام خمینی به حالت قاطع

امام خمینی به حالت قاطع و اثر آن توجه ویژه‌ای دارد.^۲ این نگاه موجب می‌شود که در تحلیل قطع، حالت ذهنی مکلف و اثر آن در حکم شرعی نیز لحاظ شود.

۴/۳. آثار فقهی دیدگاه امام خمینی

۱. نفی حجیت ذاتی قطع و تأثیر آن بر اعتبار قطع: امام خمینی حجیت قطع را ذاتی نمی‌داند بلکه آن را حکمی عقلی و شرعی می‌داند که عقل و شارع بر مکلف واجب می‌کند به قطع عمل کند. این دیدگاه باعث می‌شود که حجیت قطع تابع حکم عقل و شارع باشد و نه امری مستقل از آن‌ها. بنابراین قطع ممکن است در شرایطی حجت نباشد اگر حکم عقل یا شارع به خلاف آن حکم کند. این امر باعث می‌شود که قطع به عنوان دلیل مستقل و بی‌نیاز از دلیل دیگر تلقی نشود و همواره باید در چارچوب حکم عقل و شارع بررسی شود.

۲. تأثیر بر لزوم عمل به قطع و تجری: با توجه به اینکه حجیت قطع امری حکمی است، عمل به قطع واجب می‌شود و ترک عمل بر اساس قطع،

^۱ تهذیب الاصول، امام خمینی (ره): ج ۲، ص ۲۹۵.

^۲ الاجتهاد و التقليد، امام خمینی (ره): ص ۱۳۵.

عقلاً مذموم و مستحق سرزنش است، هرچند از نظر شرعی ممکن است حرام نباشد. امام خمینی تجری (عمل خلاف قطع) را حرام شرعی نمی‌داند ولی آن را عقلاً قبیح می‌داند که مستحق عقاب است؛ این نگاه باعث می‌شود که مکلف در عمل خود دقت بیشتری داشته باشد و قطع را ملاک عمل قرار دهد.

۳. تأثیر بر امکان منع از متابعت قطع: بر اساس دیدگاه امام خمینی، منع از متابعت قطع در مرحله ثبوت و اثبات دارای اشکال است و نمی‌توان قطع را از عمل به قطع خود بازداشت. این امر آثار فقهی مهمی دارد، از جمله اینکه مکلف نمی‌تواند به صرف وجود دلیل مخالف، قطع خود را کنار بگذارد و عمل به قطع را ترک کند.

۴. تأثیر بر تقسیم‌بندی و کاربرد اقسام قطع: امام خمینی قطع را امری حکمی و مولوی می‌داند که در مورد قطع‌هایی که متعلقشان حکم مولوی است، موضوعیت پیدا می‌کند. این دیدگاه باعث می‌شود که در تقسیم‌بندی قطع و کاربرد آن در استنباط احکام، توجه به حکم عقل و شارع و شرایط مکلف اهمیت یابد و صرف یقین به قطع کافی نباشد.

۵. تأثیر بر مباحث استدلال و ادله شرعی: با توجه به اینکه حجیت قطع امری حکمی است، استناد به قطع به عنوان دلیل در استنباط احکام باید با توجه به شرایط عقل و شارع صورت گیرد و قطع نمی‌تواند به عنوان دلیل مستقل و غیر قابل نقد تلقی شود. این امر باعث می‌شود که اصولیان در مباحث ادله و استدلال، قطع را در چارچوب کلی نظام ادله شرعی و عقلانی بررسی کنند.

بخش چهارم: تحلیل تطبیقی و تأثیر اختلاف در استنباط فقهی

۱/۴. مقایسه تطبیقی دیدگاه شیخ انصاری و امام خمینی

یکی از نکات کلیدی در بررسی اختلاف شیخ انصاری و امام خمینی، تحلیل تفاوت مبنایی و فلسفی آن‌ها درباره حجیت قطع است. جدول زیر به صورت خلاصه این اختلافات را نشان می‌دهد:

امام خمینی (ره)	شیخ انصاری	محور مقایسه
عقل عملی؛ منجزیت و معذرت در عمل به قطع	ذاتی بودن قطع به عنوان علم مطابق واقع	مبنای حجیت قطع
حجیت قطع ناشی از عقل عملی، نه جعل شارع	نیازی به جعل شرعی ندارد	نقش شارع
حکم مورد توجه است	تفاوت قائل می‌شود؛ حکم تابع قطع است	قطع طریقی و موضوعی
قطع، حکم ظاهری را نسخ می‌کند و الزام‌آور است	قطع حجت قطعی است که مکلف را ملزم می‌کند	نقش قطع در استنباط
توجه به حالت قاطع و شرایط عقل عملی در استنباط	الزام به عمل بر اساس قطع در همه موارد	تأثیر در فقه استنباطی

این اختلاف مبنایی نه تنها در نظریه، بلکه در عمل اجتهادی و صدور فتاوا نیز تأثیرگذار است.

۲/۴. تأثیر اختلاف در مسائل فقهی و استنباط

اختلاف در نحوه تبیین حجیت قطع، در مسائل عملی فقهی و نحوه استنباط فتاوا تأثیر دارد. به چند مثال توجه کنیم:

مثال اول: قطع به نجاست در طهارت

- شیخ انصاری: اگر مکلف قطع به نجاست داشته باشد، باید حکم به نجاست دهد و بر اساس آن عمل کند؛ حتی اگر مدرکی خلاف آن موجود باشد، چون قطع حجت ذاتی است.
- امام خمینی: اگر قطع از نظر عقل عملی برای مکلف معذوریت ایجاد کند، حکم به نجاست صادر می‌شود؛ اما اگر حالت قاطع تغییر کند، مثلاً شک به طهارت پیدا شود، می‌توان حکم به طهارت داد.

مثال دوم: قطع به ورود وقت نماز

- شیخ انصاری: قطع به دخول وقت نماز حجت است و واجب است مکلف نماز را به موقع بخواند.
- امام خمینی: قطع به دخول وقت نیز حجت است، ولی علاوه بر قطع، حالت عقل عملی مکلف نیز مهم است و معذوریتی که از آن ناشی شود، در تحلیل حکم لحاظ می‌شود.

مثال سوم: قطع در معاملات

در معاملات، قطع به صحت یا فساد قرارداد، نقش مهمی دارد. اختلاف دیدگاه‌ها می‌تواند باعث شود که در موارد شک یا قطع موضوعی، نتیجه فقهی متفاوتی حاصل شود.

۳/۴. تحلیل فلسفی و اصولی اختلاف

اختلاف در مبنای حجیت قطع، ناشی از تفاوت در نگرش به عقل نظری و عقل عملی است. شیخ انصاری بیشتر به عقل نظری توجه دارد و قطع را کشف واقعی

بررسی اختلاف دیدگاه شیخ انصاری و امام خمینی (ره) نسبت به حجیت قطع

و ذاتاً حجت می‌داند، در حالی که امام خمینی عقل عملی را مبنای الزام می‌داند و نقش اراده عقل عملی را در حجیت قطع برجسته می‌سازد.

۴/۴. نتیجه‌گیری از تحلیل تطبیقی

این اختلاف، نشان‌دهنده وجود دو مکتب اصولی است که هر دو بر حجیت قطع اتفاق نظر دارند اما به چرایی و نحوه آن دیدگاه متفاوت دارند. شناخت و تحلیل این دو دیدگاه به فهم دقیق‌تر اصول فقه و روش استنباط فقهی کمک می‌کند و می‌تواند راهگشای پژوهش‌های آتی باشد.

منابع

۱. الإجتهد و التقليد (تعليقة على كتاب الاجتهاد و التقليد من كتاب العروة الوثقى)، خميني، روح الله، قم، مؤسسة تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني، چاپ ۲، ۱۳۸۴ ه.ش
۲. الأصول (تقريرات درس اصول فقه)، مشكيني اردبيلي، علي، قم، مؤسسه علمي فرهنگي دار الحديث، چاپ ۱، ۱۳۹۲ ه.ش
۳. القاموس المحيط، فيروز آبادي، محمد بن يعقوب، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ ۱، ۱۴۱۵ ه.ق
۴. تهذيب الأصول، خميني، روح الله، قم، مؤسسة تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني، چاپ ۱، ۱۳۸۱ ه.ش
۵. فرائد الأصول، انصاري، مرتضى بن محمدامين، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، چاپ ۹، ۱۴۲۸ ه.ق

در مسیر تمدن

سالنامه پژوهشی

سال دوم، شماره دوم (پاییز ۱۴۰۴)

در مسیر تمدن / شماره دوم / پاییز ۱۴۰۴